

لوگر از قرای نزدیک مرو بوده که به گزارش یاقوت حموی در اوائل قرن هفتم از آن ویرانه ای بیش نمانده بود.<sup>۲</sup> از بزرگان لوکر دو نفر قابل ذکرند: یکی ابوالحسن علی بن محمد غزوانی لوکری شاعر نیمه دوم قرن چهارم<sup>۳</sup> و دیگری ابوالعباس فضل بن محمد لوکری حکیم، ادیب منجم و ریاضیدان قرن پنجم هجری. هموست که بزرگترین شاگرد بهمینار (۴۵۸م) به حساب می آید و از طریق وی حکمت در خراسان منتشر شده است.<sup>۴</sup> سال تولد و وفاتش معلوم نیست. با یک واسطه شاگرد ابن سینا و با سه واسطه استاد خواجه نصیرالدین طوسی محسوب می شود. در زمان خود سرآمد عالمان بوده و از معاصرینش حکیم عمر خیامی، ابن کوشک و میمون بن نجیب واسطی برتری داشته است.<sup>۵</sup> به فارسی و عربی شعر سروده و آثار فلسفی خود را نیز به عربی و فارسی نگاشته است. به داشتن حوزه علمی و تربیت شاگردان معروف است. مهمترین شاگردان وی عبارتند از محمد بن ابی طاهر طبسی مروزی (۵۳۹م)، عبدالرزاق ترکی، شرف الدین محمد بن یوسف ایلاقی (۵۳۶م)، ابوعلی حسن قطان مروزی (۵۴۸م)، ابوالفتح اسعد بن محمد مهمنی (۵۲۰ یا ۵۲۷) افضل الدین غیلانی (عمر بن غیلان بلخی).<sup>۶</sup>

آثار ابوالعباس لوکری عبارتند از: بیان الحق بضممان الصدق، قصیده اسرار الحکمة و شرح آن، فهرست تعلیقات و دیوان اشعار فارسی و عربی که از این دیوان جز چند بیت برجا نمانده است. ۷ ابیات به جا مانده وی در اتمام التمه، مجالس

۱. صدر المتألهین، الاسفار الاربعه، السفر الثالث، الفصل الرابع، ج ۶، ص ۱۸۰ (بیروت، ۱۹۸۱م).

۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۷۰ (بیروت ۱۳۷۴ق). در عصر ما مردم افغانستان آن را لوگر (با گاف فارسی) تلفظ می کنند.

۳. لوکری مورد بحث عروضی سمرقندی در چهار مقاله (ص ۱۶۰)، تحقیق معین و عوفی در لباب الالباب (ص ۸۰)، تحقیق قزوینی (لوکری شاعر است نه لوکری حکیم. برای آشنایی با احوال و اشعار لوکری شاعر رجوع کنید به: صفا، ذبیح الله؛ تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۴۲۱-۴۲۲ (تهران ۱۳۶۷).

۴. بیهقی، ظهیر الدین ابوالحسن علی؛ تمه صوان الحکمة، و زیادات و حواشی تمه، ص ۱۲۲ (لاهور، ۱۳۵۱ق).

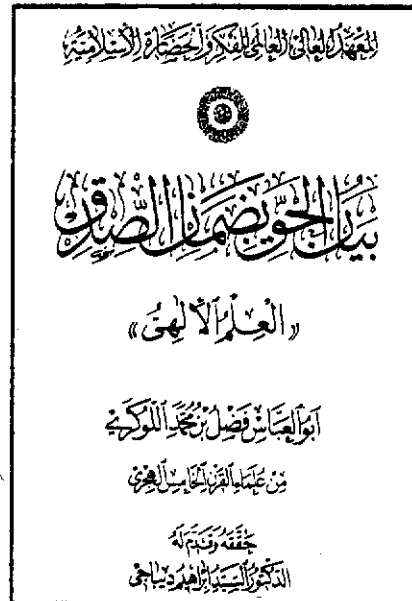
۵. بیهقی، اتمام التمه، (تصویر شماره ۱۷۹۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

۶. ر. ک: به بیهقی، تمه صوان الحکمة. صفحات ۱۶۱، ۱۲۷، ۱۱۷، ۱۲۲، ۷۴، ۱۲۵، ۱۵۵، ۱۳۶ و نیز شهرزوری، تاریخ حکماء، ص ۸۰.

۷. نفیسی، سعید؛ تاریخ نظم و نثر در ایران تا پایان قرن دهم، ج ۱، ص ۵۵۴.

## گزارش جامع ابوالعباس لوکری از فلسفه مشاء

محسن فسائی



اللوکری، ابوالعباس فضل بن محمد؛ بیان الحق بضممان الصدق، العلم الالهی؛ تحقیق دکتر سید ابراهیم دیباجی؛ مؤسسه بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی (ایستاک): تهران ۱۳۷۳؛ ۲۶۴ صفحه.

صدر المتألهین شیرازی در سفر سوم اسفار در بحث از علم خداوند، ابوالعباس لوکری را پس از فارابی، ابن سینا و بهمینار از مشائین قائل به نظریه «ارتسام صور ممکنات در ذات خداوند به نحو حصول ذهنی بوجه کلی» می شمارد.<sup>۱</sup>

المؤمنین و الذریعه قابل رؤیت است. <sup>۸</sup> مورد ذیل نمونه ای از شعر عربی وی است:

ویکثر حسّادی علی المجد و العلی  
ویفردنی ظلماً غداة احتفالها  
فیزعجنی عن ارض مرو و روضها  
وعن طیب ریّها و برد زلالها  
ولا ذنب الا اتنی فرد عقدها  
وبدرة اهلها و عین رجائها  
و تاج نواصیها اذا تبرجت  
و حد مواضیها زمان صیالها  
وانی لنقنأذ الرحال اذا بدت  
یبین لی اوضاعها من خلالها  
فهذی ذنوبی لایری الدهر عفوها  
ولا تسمح الا یام لی باحتمالها<sup>۹</sup>

فهرست تعلیقات وی هنوز منتشر نشده است، ولی در آغاز یکی از نسخ خطی آن چنین آمده است: <sup>۱۰</sup>

«فهرست کتاب التعلیقات عن الشیخ الحکیم ابی نصر الفارابی و الشیخ الرئیس ابی علی سینا روایة بهمینار» و در انتهای همین نسخه آمده است: «تولّی عمل هذا الفهرست الشیخ الامام الرئیس الحکیم الادیب و حید الزمان برهان الحق ابو العباس الفضل بن محمد اللوکری رحمه الله و رضی عنه فی شهر سنة ثلاث و خمسمائة». از این فهرست، دو نسخه دیگر نیز شناسایی شده است. <sup>۱۱</sup>

لوکری تمام تعلیقات را بررسی کرده، برای هر بند شماره ای به ترتیب ابجدی قرار داده و آنها را در آغاز تعلیقات آورده، تا استخراج مطالب تعلیقات به آسانی صورت گیرد. اینکه آیا این فهرست، تعلیقات فارابی و ابن سینا را شامل می شود یا صرفاً شامل تعلیقات ابن سیناست، مشخص نیست. هیچ یک از مصححین تعلیقات فارابی و ابن سینا به رغم اشاره به فهرست یادشده در مقدمه خود، <sup>۱۲</sup> به انتشار آن اقدام نموده اند. یافتن مطلب در کتاب پراچ تعلیقات ابن سینا هنوز بسیار دشوار است.

قصیده اسرار الحکمة قصیده ای علمی است به زبان فارسی در پنج بخش: منطق، طبیعیات، ریاضیات، الهیات و اخلاق. بخش منطق این قصیده این گونه آغاز می شود:

ایا شنیده قیاس و شناخته برهان  
گرفته یاد مقالات منطق یونان  
سؤال دارم چندین جواب باید کرد  
اگر غوامض منطق، تو را شدت آسان<sup>۱۳</sup>

قبل از لوکری، خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی (اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم) قصیده ای بلند در سؤال از مسائل فلسفی بر مذاق اسماعیلیان سروده است:

یکی است صورت هر نوع را و نیست گذار  
چراکه هیئت هر صورتی بود بسیار  
ز بهر چیست که جوهر یکی و نه عرض است  
به ده نرفت و نه بر هشت کرد نیز قرار<sup>۱۴</sup>

لوکری خود به شرح قصیده اسرار الحکمة به زبان فارسی اقدام کرده است و نظم و نثر لوکری نمونه ای از ادبیات قرن پنجم است. تنها کار مشابه قبل از وی، شرح قصیده ابوهیثم توسط ابوسعید محمد بن سرخ نیشابوری (در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم) است. <sup>۱۵</sup> جامع الحکمتین ناصر خسرو قبادیانی (م ۴۸۱) نیز شرح دیگری است بر همین قصیده ابوهیثم و کاری از قبیل شرح قصیده لوکری. <sup>۱۶</sup> به هر حال نظم و نثر فارسی لوکری پس از قصیده ابوهیثم، شرح ابوسعید، دانشنامه علائی ابن سینا<sup>۱۷</sup> و کشف المحجوب ابویعقوب

۸. بیهقی، اتمام التمه (تصویر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)؛ شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین، المجلس السابع، ص ۲۲۹؛ تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه فی تصانیف الشیعة، ج ۹، ص ۹۴۸.

۹. بیهقی، اتمام التمه (تصویر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

۱۰. نسخه شماره ۳۲۰۴ احمد ثالث، استانبول.

۱۱. نسخه شماره ۲۳۹۰ ایاصوفیا، تاریخ نسخه ۵۲۱؛ نسخه شماره ۳۸۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۱۲. مقدمه تعلیقات الفارابی، د. جعفر آل یاسین، ص ۲۱، تهران ۱۳۷۱ ش، انتشارات حکمت (در اربع رسائل فلسفیه) مقدمه تعلیقات ابن سینا، د. عبدالرحمن بدوی، ص ۸، قم ۱۴۰۴ ق.

۱۳. قریب، عبدالعظیم، مجله آموزش و پرورش، شماره ۸ و ۹، سال دهم، ۱۳۱۹.

۱۴. قصیده ۸۸ بیتی خواجه ابوهیثم در ابتدای جامع الحکمتین ناصر خسرو قبادیانی، و شرح ابوسعید محمد بن سرخ نیشابوری (هر دو به تصحیح هانزی کرین و محمد معین تهران ۱۳۳۲ و ۱۳۳۴ ش) و نیز جلد اول تاریخ ادبیات ایران ذبیح الله صفا، ص ۵۲۳-۵۳۱ آمده است.

۱۵. ابوسعید محمد بن سرخ نیشابوری، شرح قصیده ابوهیثم؛ به تصحیح هانزی کرین با همکاری محمد معین، تهران ۱۳۳۴ ش.

۱۶. ناصر خسرو قبادیانی، جامع الحکمتین، تصحیح هانزی کرین و محمد معین، تهران ۱۳۳۲.

۱۷. ابن سینا، دانشنامه علائی، منطق و الهیات، تصحیح احمد خراسانی، تهران ۱۳۱۵ ش.

و نیز تهران ۱۳۳۱ ش، انجمن آثار ملی، منطق به تصحیح محمد معین و سید محمد مشکوة، الهیات به تصحیح محمد معین، طبیعیات به تصحیح سید محمد مشکوة ریاضیات (تدرین ابو عبید جوزجانی از دیگر رسائل ابن سینا) تصحیح مجتبی مینوی.

... این کتاب به سه کتاب بزرگ تقسیم می شود: منطق، علم طبیعی و علم الهی. به علم ریاضی گروهی دیگر اقدام کرده و حق مطلب را ادا نموده اند. با این حال اگر خداوند اجلم را به تأخیر اندازد و مهلتم دهد، از ریاضیات نیز به قدر لازم به این کتاب خواهد افزود. ۲۲

منطق بیان الحق در نه فن و ۳۸ مقاله و ۲۲۱ فصل، طبیعیات آن مشتمل بر هشت کتاب و ۱۰۵ فصل و الهیات آن در سه قسمت سامان یافته است: علم کلی در هفت مقاله در ۴۱ فصل، علم ربوبی در سه مقاله در ۲۸ فصل و ملحقات آن در دو بخش، یکی در نکت و مسائل منتخبه از علم مابعدالطبیعه در چهار باب و ۴۲ فصل و دیگری در فصول منتخبه از علم اخلاق در پنج باب و ۵۹ فصل.

کلیه مطالب بیان الحق در درجه اول از آثار ابن سینا و بهمنیار و در درجه دوم از آثار فارابی استخراج شده است. اکثر قریب به اتفاق مطالب کتاب و حتی عناوین بیشتر فصول عیناً از منابع یاد شده نقل شده و تنها در موارد معدودی، جهت تلخیص یا ایجاد ارتباط بین عبارات منقول از منابع مختلف، جملاتی اضافه شده یا تغییر داده شده است. با توجه به گستردگی مطالب فلسفی و بیانات مختلف هر فیلسوف در آثار متعدد خود، کارگزینش بهترین و جامع ترین متن و یا تلخیص مطلب، به نحوی که کلیه نکات اصلی و امور مهم آن حفظ شود، محتاج احاطه کامل بر متون فلسفی و تسلط بر آنهاست. بیان الحق بهترین سند تسلط و احاطه تمام لوکری بر فلسفه مشائی است. او در هر زمینه بهترین متن را برگزیده از ایجاز مخّل و اطناب ممّال پرهیز کرده، حجم مطالب را همواره در حدّ متوسط حفظ کرده است.

سجستانی<sup>۱۸</sup> در زمره نخستین نگارشهای فلسفی به زبان فارسی به حساب می آید، نه نخستین نمونه اثر منظوم فلسفی به فارسی.<sup>۱۹</sup> از قصیده اسرارالحکمة و شرح آن تنها بخش منقش به همت آقای دکتر سید ابراهیم دیباجی تصحیح و منتشر شده است.<sup>۲۰</sup> مهمترین اثر لوکری دایرة المعارف عقلی «بیان الحق بضمّان الصدق» است. این کتاب مورد اعتنای فلاسفه بعد از وی بوده است.<sup>۲۱</sup> لوکری سبب تألیف این کتاب را چنین توضیح می دهد:

«من چون در کتب تألیف شده در علوم فلسفی تأمل کردم، بعضی را بیش از حدّ طولانی یافتم، آنچنانکه فهم متعلّمین به کنه آن نرسد و بر ضبط و حفظش قوای حافظین توانایی نیابد و بعضی را نیز مختصر و لطیف که نکات اصول حکمی را در خود جمع آورده است، اما کتابی که بین دو طرف افراط و تفریط از اندازه و حجم، متوسط باشد و متضمّن همه مطالب مورد احتیاج جوینده حق در علوم عقلی باشد، و او را بی نیاز از غیر آن کند و حقجو را به نهایت آن برساند، نیافتم لذا تمایل پیدا کردم تا کتابی به این صفت جمع آورم بر سبیل شرح و تلخیص با یکدیگر. از همه کتب فلسفی منسوب به شیخ الرئيس، حجة الحق ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینای بخاری-روح الله رمسه و قدس نفسه- و نیز کتب شیخ حکیم ابونصر فارابی-قدس الله روحه العزیز- و نیز از ایر کتب موجود متأخرین و متقدمین استخراج مطلب کردم گرچه نیازی به کتب ایشان بعد از کتب این دو بزرگ، بویژه کتب شیخ الرئيس ابوعلی سینا-روح الله رمسه و قدس نفسه- نخواهد افتاد. پس نظرم بر این تعلق گرفت که ترتیب این کتاب را بر مسلک مشهور بنهم، یعنی منطق را بر سایر اجزای حکمت مقدم گردانم، چراکه آن وسیله رسیدن به حق است. سپس علم طبیعی و بعد از آن علم الهی را به موجزترین وجه ممکن بدون اخلال به اصلی از اصول ارائه نمایم، بلکه در آن مطالب دشوار را شرح کرده، نکات مخفی را تبیین نمایم و شبهات مورد اعتراض را در جای خود حل کنم. این کتاب را «بیان الحق بضمّان الصدق» نامیدم. این اسم سازگار با مسمای خود است، زیرا غرض من در آن تبیین حق است، با صادقترین آرا و اقوال، این روش قانون من باشد در زمان حیاتم، هر زمان که اراده کردم به آن بازگردم و تذکره من پس از وفاتم گردد.

۱۸. سجستانی، ابویعقوب اسحاق بن احمد؛ کشف المحجوب، تصحیح هانری کرین، تهران ۱۳۵۸ ش (چاپ دوم).
۱۹. با آقای دکتر دیباجی در اینکه قصیده اسرارالحکمة نخستین منظومه منطقی و فلسفی فارسی باشد حداقل در بخش فلسفی آن نمی توان موافق بود. (منطق و مباحث الفاظ صفحه بیست و هفت، مقدمه مدخل منطق بیان الحق بضمّان الصدق/۷۶).
۲۰. منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی) باهتمام مهدی محقق و ترش هیکوایزوتسو، تهران ۱۳۵۳، صفحه هفده تاسی و سه و صفحه ۱۰۷-۱۲۵.
۲۱. مطهری، مرتضی؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۵۴، تهران ۱۳۶۲ ش.
۲۲. لوکری؛ بیان الحق بضمّان الصدق، المنطق، المدخل؛ تصحیح ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۶۴، ص ۱۱۱-۱۱۲.

منطق «بیان الحق بضممان الصدق» برگرفته از منطق شفا، اشارات، نجات، حکمت المشرقیین و تحصیل است. طبیعیات آن برگرفته از طبیعیات ارسطو به گزارش ابن سینا یعنی طبیعیات شفا و تحصیل می باشد. بخش علم کلی الهیات بیان الحق متخذ از الهیات شفا و مابعد الطبیعه تحصیل است. بخش علم ربوبی آن علاوه بر دو منبع یادشده از المبدء و المعاد ابن سینا و الانصاف استخراج شده است. نکت و مسائل منتخبه از علم مابعد الطبیعه از تعلیقات ابن سینا و اثبات المفارقات فارابی استخراج شده، و بالاخره فصول منتخبه از علم اخلاق، به استثنای یک فصل نسبتاً مفصل عیناً از الفصول المتزعه فارابی نقل شده است.

هدف لوکری از تدوین مجموعه بیان الحق، تنظیم یک متن تعلیمی فلسفی در سطح متوسط است و در این هدف توفیق یافته است. بیان الحق لوکری جهت تعلیم فلسفه مشاء در سطح متوسط مناسبتر از آثار فارابی، ابن سینا و بهمنیار است. چراکه حاوی همه نکات اصلی متون فلسفی ایشان است. به علاوه از مطالب استطرادی و کم فائده نیز خالی است. لوکری تنها به تلخیص مطلب اکتفا نکرده بلکه گاهی یک فصل طولانی شفا یا تحصیل را در چند فصل و گاهی برعکس چند فصل آنها را در یک فصل بیان الحق گنجانیده است.<sup>۲۳</sup>

ترتیب کلی مطالب بیان الحق (منطق، طبیعیات، الهیات) شبیه ترتیب عیون الحکمه، اشارات و با حذف بخش ریاضیات شبیه ترتیب شفاست. مآخذ اصلی مطالب و حتی ترتیب فصول الهیات بیان الحق، الهیات شفا است. اما تقسیم الهیات بیان الحق به علم کلی و علم ربوبی و امدار نجات شیخ الرئیس و تا حدودی تحصیل بهمنیار است. الهیات نجات به دو مقاله تقسیم می شود. شیخ برای این دو مقاله عنوان خاصی انتخاب نکرده است، اما محتوای مقاله اول امور عامه یا علم کلی است و محتوای فصول مقاله دوم علم ربوبی و الهیات بالمعنی الاخص. بهمنیار نیز تحصیل را به سه کتاب منطق، علم مابعد الطبیعه و علم به احوال اعیان موجودات تقسیم کرده است، کتاب دوم تحصیل همان علم کلی یا امور عامه است. کتاب سوم تحصیل شامل دو مقاله است: مقاله اول در معرفت واجب الوجود (یا الهیات بالمعنی الاخص) و مقاله دوم در موجودات معلوله (یا همان طبیعیات تحصیل) می باشد. تقسیم فلسفه الهی به علم کلی و علم ربوبی تقسیمی منطقی است و به لحاظ روش شناسی قابل توجه است.

لوکری در آغاز الهیات بیان الحق در این باره می نویسد:

«این کتاب [علم الهی بیان الحق] به دو کتاب تقسیم می شود: یکی درباره علم مابعد الطبیعه و آن علم کلی است که متضمن تصحیح مبادی همه علوم است، دیگری مشتمل بر معانی کتاب الربوبیه به نام اتولوجیاست، گرچه در اصطلاح قوم مابعد الطبیعه به همه اجزاء علم الهی عام اطلاق می شود، ولی قطعاً این تقسیم و تفکیک سودمند و بجاست، زیرا به این وسیله علم ربوبی که درباره اثبات مبدء اول و صفات وی و نیز اثبات سایر مفارقات روحانی و ملکوتی است، متمایز می شود.»<sup>۲۴</sup>

جای آن داشت که مسائل رساله الحاقی علم الربوبیه، در خود علم ربوبی ادغام می شد، چراکه مسائل این رساله الحاقی به صفات باری، عقل، نفس و ولایت و نبوت اختصاص دارد و این مطالب، دقیقاً مسائل علم ربوبی را تشکیل می دهد. لوکری اگرچه در مقدمه الهیات بیان الحق وعده داده که به واسطه اهمال دیگر نویسندگان در مسأله نفس در حال مفارقت از بدن بسط کلام بدهد، و مطالب جدیدی را ارائه کند که دیگران نگفته اند،<sup>۲۵</sup> اما در بحث از این مسائل عذر آورده می نویسد:

«اگر چه ما وعده داده بودیم در این باره به طور مشروح و مشبع سخن برانیم، ولیکن وقتی دیدیم همه مطالب در همین اندازه مختصر از بیان می گنجد، به آن اکتفا کردیم.»<sup>۲۶</sup>

لوکری به طور کامل تابع افکار فلسفی ابن سینا و استادش بهمنیار است. در بیان الحق هیچ نوع مخالفتی ولو به تعریض با ایشان دیده نمی شود. در مواردی که بهمنیار با ابن سینا اختلاف نظر داشته، لوکری از ذکر عقاید بهمنیار اجتناب کرده و نظر ابن سینا را آورده است. برای نمونه بهمنیار در مطالب ذیل با رأی ابن سینا موافق نیست: ۱- به کار بردن برهان سلمی برای اثبات امتناع تناهی ابعاد<sup>۲۷</sup>

۲۳. به عنوان مثال فصل سوم از مقاله ششم الهیات شفا را در فصل ۳۵ و ۳۶ علم کلی بیان الحق ارائه کرده، در حالی که قسمتی از فصل پنجم مقاله را شفا و فصل دوم و قسمتی از فصل سوم مابعد الطبیعه تحصیل را همگی در فصل پنجم علم کلی بیان الحق گنجانیده است.

۲۴. لوکری، بیان الحق بضممان الصدق، العلم الالهی، تصحیح ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۷۳. ص ۴.

۲۵. همان، ص ۴۳.

۲۶. همان، ص ۳۹۰، انتهای فصل ۲۲ علم ربوبی.

۲۷. بهمنیار، التحصیل، تصحیح مرتضی مطهری، تهران، ۱۳۴۹، ص ۳۴۸.

علم الهی بیان الحق بضممان الصدق قدمهایی در زنده کردن میراث فلسفی اسلام و ایران برداشته است.

۱- لوکری در مقدمه بخش سوم بیان الحق، علم الهی را شامل دو کتاب و دو بخش الحاقی معرفی می کند:

کتاب اوّل: علم مابعدالطبیعه یعنی علم کلی متضمن تصحیح مبادی همه علوم.

کتاب دوم: کتاب الربوبیة یعنی اتولوجیا در اثبات مبدء اوّل و صفات او و اثبات سایر مفارقات روحانی ملکی.

ملحق اوّل: مسائل و نکاتی از علم مابعدالطبیعه که در حکم اسرار آن و شامل مباحثی در صفات باری تعالی و عقول و نفوس سماویه است.

ملحق دوم: فصول متزعه از علم اخلاق در اکتساب فضائل نفسانیه و مدینه فاضله. ۳۴

با اینکه عنوان پشت جلد «العلم الالهی» انتخاب شده است، اما از دو بخش اخیر این کتاب اثری نیست. در مقدمه طولانی مصحح و نیز دو پیشگفتار دیگر کتاب هیچ اشاره ای به عدم تصحیح دو مبحث کتاب که حدود ۱/۳ الهیات بیان الحق را شامل می شود، نشده است و ذکری از اینکه بخش منتشر شده جلد اوّل العلم الالهی است و جلد دوم نیز در راه است به میان نیامده است. بخش منتشر نشده شامل نه باب در ۱۰۲ فصل است و شامل مباحثی در صفات باری، عقول، نفوس، ولایت و نبوت و اخلاق نظری است و بدون آن قطعاً مباحث الهیات بالمعنی الاخص بیان الحق ناقص ارائه شده است.

۲- با توجه به اینکه تمام متن بیان الحق به اعتراف لوکری متخذ از آثار ابن سینا، بهمنیار و فارابی است استخراج مطالب آن از منابع اصلی از اهمیتی فوق العاده برخوردار است. مصحح محترم نیز همت خود را مصروف یافتن این منابع کرده اند، اکثر

۲۸. همان، ۳۵۲.

۲۹. همان، ص ۴۲۴.

۳۰. تصحیح آقای دکتر ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۶۴، انتشارات امیرکبیر.

۳۱. تصحیح خانم اطهره متقی خضری، زیر نظر آقایان عبدالله نورانی و نجفقلی حبیبی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۳۲. تصحیح آقای مقصود محمدی، زیر نظر آقایان نورانی، نجفقلی حبیبی و احمد بهشتی، پایان نامه دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۷۳.

۳۳. تصحیح آقای سید ابراهیم دیباجی، تهران ۱۳۷۳، مؤسسه بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی (ایستاک).

۳۴. لوکری، بیان الحق بضممان الصدق، العلم الالهی، تصحیح دیباجی، تهران ۱۳۷۳، ص ۴.

۲- اینکه جوهر جنس اعلاّی جواهر است، مورد تردید وی است. ۲۸ هر چند در منطق التخصیص از روش قوم پیروی کرده است.

۳- در اینکه حرکت، تحریک و تحرک یکی است. ۲۹ در همه این موارد لوکری از نقل عبارات بهمنیار اجتناب کرده است.

در مجموع در سراسر بیان الحق هیچ مطلب ابداعی و جدید به چشم نمی خورد.

لوکری نه یک فیلسوف صاحب مکتب از قبیل فارابی و ابن سیناست، نه یک فیلسوف صاحب ابتکار از قبیل میرداماد. اما او را می توان یک حکیم طراز سوم مشائی به حساب آورد: فیلسوفی مسلط بر مبانی فلسفی و باعث انتقال فلسفه به نسل بعدی.

در عصر لوکری که از یک سو با تعصب شدید سلاجقه علم ستیز مواجه است و از سوی دیگر با ملامت تند غزالی به فلاسفه روبروست، گرم نگاه داشتن حوزه فلسفی و ارائه کاری ماندنی همچون «بیان الحق بضممان الصدق» خدمت بزرگی است. بزرگی لوکری نیز با توجه به مقیاسهای عصر وی باید سنجیده شود. او یک فیلسوف واسطه است و نقش خود را بخوبی ایفا کرده است.

از دایرة المعارف بیان الحق بضممان الصدق به ترتیب این قسمتها تصحیح شده است:

- ۱- مدخل منطق ۳۰-۲- منطق (به استثنای مدخل) ۳۱
- ۳- الهیات (متن کامل) ۳۲-۴- علم الهی (شامل علم کلی و علم ربوبی بدون دو رساله ملحق آن) ۳۳ بنابراین تاکنون تنها طبیعیات بیان الحق تصحیح نشده است؛ اما آنچه از بیان الحق تاکنون منتشر نشده: ۱- منطق (به استثنای مدخل آن) ۲- طبیعیات ۳- دو بخش اخیر الهیات.

از دو کتاب اوّل علم الهی بیان الحق (یعنی علم کلی و علم ربوبی) در ابتدا و انتهای سال ۱۳۷۳ دو تصحیح مختلف بر اساس نسخ واحد انجام شده است. اینکه جامعه فلسفی کشور این گونه از اقدامات علمی یکدیگری خبرند، باعث تأسف و تعجب است. شایسته است جهت جلوگیری از دوباره کاری و اتلاف وقت و سرمایه مصححین و محققین، کتب تحت تصحیح و تحقیق در یکی از نشریات اطلاع رسانی کشور معرفی شود.

آنچه به دنبال می آید بررسی و نقد تصحیح و تحقیق و تقدیم جدیدترین بخش منتشر شده بیان الحق بضممان الصدق یعنی علم الهی توسط آقای دکتر سید ابراهیم دیباجی است. آقای دکتر دیباجی در احیای آثار لوکری پیش کسوت است و با تصحیح قسمت منطق قصیده اسرار الحکمة و شرح آن، مدخل منطق و

مطالب متخذ از الهیات شفا و تحصیل بهمینار را معین کرده اند اما این نواقص در تحقیق به چشم می خورد:

یک: پنج فصل از کتاب بدون استخراج منبع رها شده است. مطالب فصول ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ علم ربوی بیان الحق عیناً از کتاب المبدء والمعاد ابن سینا نقل شده است. ۳۵

دو: مطالب فصل ۲۲ علم ربوی بیان الحق به تصریح لوکری از کتاب انصاف ابن سینا نقل شده است. محقق محترم مآخذ این فصل را نیز نیافته است. این بخش از انصاف به زمان ما رسیده است و بخشی از تفسیر شیخ الرئیس بر کتاب اثولوجیا را تشکیل می دهد که در کتاب «ارسطو عند العرب» منتشر شده است. ۳۶

سه: مطالب فصول ۱۱، ۱۸ و ۲۳ علم ربوی بیان الحق، عیناً متخذ از المبدء والمعاد ابن سینا است. حال آنکه مطالب به الهیات شفا نسبت داده شده است. ۳۷

۳- در تمام متن کتاب اقوالی که به ارسطو، اسکندر، تامسطیوس و امثال ایشان، نسبت داده شده، مورد تحقیق قرار نگرفته و مصادر این اقوال مشخص نشده است. برای نمونه تحقیق فصل چهاردهم علم ربوی بیان الحق قابل مراجعه است.

۴- کتاب فاقد فهرس فنی از قبیل اعلام، فهرست کتب و مانند آن است. مناسب بود به جای چند ملحق کم فائده کتاب، این گونه فهرس به کتاب افزوده می شد.

۵- در انتهای کتاب طی هفده صفحه مطالبی به عنوان حواشی آورده شده، اکثر این حواشی نشانی مطالب لوکری است از منابع قبل از وی که در ضمن همان صفحه نیز قابل درج بود. بخش دیگر از این حواشی توضیح کلمات شیخ است از سوی فلاسفه پس از لوکری که در ذیل همان صفحات نیز قابل درج بود، هر چند حذف بخش مهمی از این حواشی مشکلی ایجاد نمی کند.

بسیاری از مصطلحات تفسیر شده در انتهای کتاب، محتاج توضیح نیستند. ذکر تفاسیر فلاسفه پس از لوکری از این اصطلاحات در انتهای بیان الحق لوکری مفید کدام فایده است؟

۶- مقدمه طولانی مصحح محترم را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

بخشی فاقد ارتباط وثیق با مطالب کتاب است از قبیل تراجم فلاسفه قبل از لوکری (و نه سیر تطور فلسفه تا لوکری) یا از لوکری تا ملاصدرا (و چرا تا ملاصدرا؟!)

بخشی تکرار مطالبی است که مصحح محترم برای بار سوم اقدام به نشرشان می نمایند. ۳۸ آیا ترجمه لوکری در ابتدای

مدخل منطق بیان الحق کافی نبوده است؟ مناسب بود در ابتدای این جلد تنها به ذکر خلاصه ای از آنها و افزودن نکات تازه پژوهشی اکتفا می شد.

در فصل چهارم مقدمه، تلخیص فصول کتاب آورده شده و ذکر منابع هر فصل با توجه به ذکر آنها در ذیل فصل مربوطه از زواید دیگر کتاب است.

۷- مناسب بود در مقدمه تحقیق الهیات بیان الحق به این نکات عنایت می شد:

۱- تحلیل آرای لوکری در مقایسه با ابن سینا، بهمینار و شیخ. در اختلاف بین این بزرگان، لوکری جانب کدام را گرفته است؟

۲- تأثیر لوکری و کتابش در فلاسفه بعدی چگونه بوده است؟ کدام یک از حکیمان از وی و کتابش نقل مطلب کرده اند؟

۳- در مسائلی که شیخ در کتب مختلفش، به چند گونه مطلب را تکرار کرده، لوکری کدام را برگزیده و چرا؟

۴- توصیف وضعیت اجتماعی فرهنگی عصر لوکری.

۵- نقد گزینشهای لوکری در متون مختلف فلسفی. آیا متنی که لوکری انتخاب کرده، برترین متن موجود ابن سینا، فارابی و بهمینار است؟

امیدواریم با رفع کاستیهای یادشده بزودی شاهد انتشار متن کامل دایرةالمعارف «بیان الحق بضممان الصدق» لوکری از سوی مصحح محترم باشیم. سعی ایشان در احیای متون اصیل فلسفی مشکور باد.



۳۵. ابن سینا، المبدء والمعاد، تصحیح عبدالله نورانی، تهران ۱۳۶۳، به ترتیب از صفحات ۸۵، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۱۹، ۱۲۰. صفحات فصول یادشده از علم الهی بیان الحق به ترتیب: ۳۶۷، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹.

۳۶. ارسطو، عند العرب، تصحیح عبدالرحمن بدوی، ص ۴۹-۴۷. بیروت ۱۹۴۷م، نگاه کنید به ص ۲۸۸ علم الهی بیان الحق.

۳۷. ابن سینا، المبدء والمعاد، به ترتیب صفحات ۷۷، ۸۴، ۱۱۵ نگاه کنید به علم الهی بیان الحق به ترتیب صفحات ۳۴۳، ۳۶۴، ۳۹۱. آقای دکتر مقصود محمدی دریافتن مآخذ لوکری در مجموع موفقتر بوده است، هر چند استخراج منابع اول محتاج عنایتی دوباره است.

۳۸. ر. ک: مقدمه آقای دکتر دیباجی بر قصیده اسرار الحکمة و شرح آن، بر منطق بیان الحق. و برای بار چهارم در نامه شهیدی (جشن نامه استاد دکتر سیدجعفر شهیدی)، تهران ۱۳۷۴، طرح نو.